

عفو و بخشودگی

تعریف :

از لحاظ حقوق کیفر همگانی عفو را میتوان چنین تعریف نمود: « عفو عبارت است از عدم اجرای مجازات یا قسمتی از آن درباره محکومی که قاعدهٔ بایست مجازات شود »

سابقه تاریخی :-

عفو و بخشودگی سابقه تاریخی داشته و از قدیم الایام در کشورهای مختلف متداول بوده است حق مذکور متعلق به پادشاه بوده که اغلب از آن استفاده مینموده است پس از انقلاب کبیر فرانسه این امر مورد انتقاد شدید قرار گرفت در نتیجه در قانون جزای عمومی که در آن تاریخ تنظیم گردید عفو و بخشودگی منسوخ شد.

بعداً معلوم گردید که عفو و بخشودگی از لحاظ جزائی ضرورت داشته در نتیجه قانونگذار مجبور شد ضمن اصلاحاتی که در سال دهم انقلاب در قانون جزا نمودند عفو و بخشودگی را در آن گنجانده و اجرای آنرا تحت شرایطی در اختیار رئیس دولت قرار دادند.

امروزه کم و بیش در کلیه کشورهای دموکراسی اصل مذکور مورد نظر قرار گرفته و این حق به رئیس دولت تفویض گردیده است. و با اینکه اصل مذکور جنبه تاریخی دارد مع الوصف مورد انتقادات شدید قرار گرفته است.

از لحاظ اصل تفکیک قوا در واقع نوعی از دخالت قوه اجرائیه در امر قضائی میباشد؛ اگر عفو سابقاً امری لازم بنظر میرسید از این لحاظ بود که تشکیلات قضائی ناقص و گاهی اوقات احکامی برخلاف حق و عدالت از محاکم صادر میگشت و تنهاری که امکان داشت از طرفی احترام احکام قضائی را مورد نظر قرار داده و از طرفی از اجرای احکامی که برخلاف عدالت در اثر اشتباه قضات صادر میگشت جلوگیری شود تمسک به عفو و بخشودگی بود ولی امروزه با آنکه قضات متخصص امور قضائی کشور را اداره میکنند و از طرفی به طرفین دعوی اجازه داده شده که از احکام صادره تقاضای تجدید نظر نمایند و قضات دادگاه حق دارند که در صورت اقتضاء مجازات متهم را مورد تخفیف قرار داده و یا مجازات را درباره وی تعلیق نمایند و یا پس از محکومیت در حین اجرای مجازات بوی آزادی مشروط اعطا نمایند و همچنین در صورت اشتباه محاکم محکوم تقاضای اعاده دادرسی نماید با این شرایط کمتر دستگاه قضائی در صدور احکام دچار اشتباه میگردد و تمسک به عفو و بخشودگی امری ناروا بنظر میرسد.

ایرادات مذکور صحیح نمیشد زیرا عفو اجرای کلیه یا قسمتی از مجازات را درباره محکوم موقوف میدارد و این امر دخالت در امر قضائی نیست زیرا آنچه در صلاحیت

عفو و بخشودگی

قضات دادگاه میباید بصورت دادنامه قطعی بر محکومیت متهم است و اجرای حکم از وظایف قوه مجریه میباشد بنابراین این اعطای عفو از طرف رئیس قوه مجریه بلامانع میباشد.

از طرف دیگر تخفیف و تعلیق مجازات و یا اعطای آزادی مشروط به محکوم که در اختیار قضات گذارده شده و همچنین طرق اعاده دادرسی و عفو عمومی برای این است که حتی المقدور تا آنجائیکه ممکن است به متهم ارفاق نموده و در اجرای مجازات یا قسمتی از آن درباره وی خودداری نمایند اعمال مذکور با اعطای عفو در آخرین مرحله به محکوم تکمیل میگردد.

از طرفی از لحاظ قضائی کیفیات مخففه درباره کلیه متهمین قابل اجرا نمیشود مثلاً در امور جنائی تا دو درجه تخفیف بیشتر نمیتوان مجازات را تخفیف داد و همچنین تعلیق مجازات فقط در جرایم خاص قابل اجرا است و عفو عمومی ماشینی است کور و سنگین و خطرناک که شامل کلیه متهمین میگردد.

آنچه مورد توجه بوده و مفید واقع میگردد عفو و بخشودگی است که در اختیار رئیس دولت بوده و درباره هر محکومی بهر طریق که مورد نظر قرار گیرد قابل اجرا است و در واقع و نفس الامر وسیله ایست برای جلوگیری از سختی مجازات و جلوگیری از اشتباهات قضائی.

شرایط اجرای عفو و بخشودگی

بوسیله چه مقامی و بچه ترتیب عفو اعطا میشود :

عفو و بخشودگی از جمله اختیارات پادشاه میباشد سابقاً این حق مطلقاً در اختیار سلطان و حکام تعیین شده از طرف وی بود ولی پس از انقلاب مشروطیت این حق محدود و تحت شرایط خاص بموجب قانون به شاهنشاه اعطا گردیده.

قاعدتاً صورت افرادی که میبایست مورد عفو و بخشودگی قرار گیرند در مواقع معین از طرف وزارت دادگستری تهیه و بوسیله نخست وزیر بعرض اعلیحضرت همایونی رسانده و اوامر لازم صادر میفرمایند.

عفو و بخشودگی در بیشتر موارد بر حسب تقاضای محکوم بعمل میآید ولی ممکن است بدون تقاضای وی نیز عفو و بخشودگی اعطا شود.

مثلاً کلیه پرونده‌هایی که منجر بصورت حکم اعدام میشود قبل از اجرای حکم مراتب را از نظر رئیس دولت میگذرانند تا چنانچه نظر عفو داشته باشند از اعدام وی خودداری شود.

چه کسانی مورد عفو قرار میگیرند.

فقط کسانی میتوانند از عفو و بخشودگی استفاده نمایند که دارای محکومیت قطعی در امور جزائی باشند

شرایط عفو و بخشودگی عبارتند از :

۱ - داشتن محکومیت قطعی جزائی بنابراین چنانچه فردی در دادگاه بدایت محکوم گردید ، و تقاضای رسیدگی پژوهشی نموده باشد و یا بموجب رأی دادگاه استان محکوم و تقاضای فرجام نموده باشد چنین فردی را نمیتوان مورد عفو و بخشودگی قرارداد.

عفو و بخشودگی

۲ - قسمتی از مجازات دربار محکوم اجرا و یا مجازات قابل اجرا باشد بنابراین محکومی که مجازات وی از طرف دادگاه بموجب حکم غیابی تعیین و حق اعتراض برای وی محفوظ باشد نمیتواند از حق عفو و بخشودگی استفاده نماید.

نتایج عفو و بخشودگی :

بطور کلی عفو و بخشودگی آثار محکومیت را زائل نمی نماید مثلاً سابقه محکومیت محکوم در برگ شعبه کیفری وی درج و از لحاظ تکرار جرم نیز منظور میگردد و همچنین با توجه به تنبیه کیفری دادگاههای جزائی در صورت تکرار جرم نمیتواند مجازات را درباره وی تعلیق نمایند .

عفو و بخشودگی فقط شامل مجازات میشود :

آیا فقط مجازاتهای محدود کننده آزادی را میتوان مشمول عفو و بخشودگی قرار داد و یا کلیه مجازاتی که متهم بدان محکوم گردیده ، از قبیل مجازاتهای تبعی و یا بعضی از محرومیت های حقوقی که متهم بموجب دادنامه صادره بدان محکوم شده میتوان مورد عفو قرار داد .

آنچه از متن قانون مفهوم میشود فقط مجازاتهای محدود کننده آزادی را میتوان مشمول عفو قرار داد . - مجازاتهای تبعی که متضمن محرومیت از کلیه یا بعضی از حقوق اجتماعی میباشد فقط با اعاده حیثیت قابل جبران میباشد .

بعضی از علما عقیده دارند که عفو را نمیتوان شامل امور مذکور قرار داد . رویه که در کشور فرانسه متداول گردیده ، و در کمیسیون عفو و بخشودگی ایران نیز عمل گردیده ، این است که کلیه حقوقی که بموجب حکم دادگاه ، فردی محکوم شده میتوان مورد عفو قرار داد خواه حقوق مذکور از جمله مجازات اصلی باشد و یا از جمله مجازاتهای تبعی .

حقوقی که تبعاً متهم بدان محکوم میشود فقط بوسیله اعاده حیثیت میتوان آثار آنرا زایل نمود مگر در موارد استثنائی که قانون صریحاً عفو را تجویز نموده باشد . در بعضی از موارد عفو آثار محکومیت را بطور کلی زایل میکند (مانند جرائم سیاسی) درباره اوقات نوع مجازات را تغییر میدهد مثلاً مجازات اعدام تبدیل بحبس ابد با اعمال شاقه میشود و یا حبس مجرد تبدیل بحبس تأدیبی میگردد . ممکن است به بعضی از افراد عفو مشروط اعطا شود مثلاً شرط شود چنانچه متهم ضرروزیان ناشیه از جرم را بپردازد و در مدت محدودی مرتکب جرم جدیدی نگردد مجازات درباره وی عفو گردد

عفو عمومی :

عفو فقط شامل افرادی میشود که محکومیت قطعی دارند و آثار آن نیز محدود میباشد عفو عمومی در مقابل نه تنها شامل افرادی میشود که محکومیت قطعی دارند بلکه شامل کلیه افرادی که تحت تعقیب بوده و درباره آنها احکام غیر قطعی صادر شده و یا

عفو و بخشودگی

افرادی که اصولاً تحت تعقیب قرار نگرفته‌اند می‌گردد بعلاوه کلیه آثار محکومیت را اعم از مجازات اصلی و مجازات تبعی زایل مینماید و یا بطور دیگر کلیه آثار محکومیت را زایل میسازد .

اعطای عفو عمومی مستلزم تصویب قانون - خاصی میباشد که در ماده ۴۰ قانون کیفر عمومی پیش‌بینی شده !

ماده ۴۰ « جنحه و جنایت سیاسی مطلقاً و همچنین جنحه و جنایات عادیه که در اثنای انقلابات سیاسی واقع شود ممکن است مورد عفو عمومی گردد ولی در هر مورد قانون مخصوص باید اجازه آنرا بدهد. »

فردی که مورد عفو قرار گرفته آیا میتواند از قبول آن خودداری نماید .

چون اجرای مجازات و خودداری از آن جزء اعمال حاکمیت دولت بوده و اسری حقوقی نمیشد اجرای عفو درباره محکوم امری اجباری بوده و نامبرده نمیتواند از قبول آن خودداری نماید .

بطور دیگر محکومیت حقی نیست که به محکوم اعطا میشود بلکه مجازاتی است که درباره وی اجرا میگردد و با هیئت حاکمه است که مجازات را درباره او اجرا و یا قسمتی از آنرا مورد عفو قرار دهند .

آیا دادخواست محکومی که مورد عفو قرار گرفته و از قبول آن خودداری نماید در دادگاهی بایست مطرح و مورد رسیدگی قرار گیرد یا خیر؟

هر چند تقاضای مذکور کم سابقه و نادر میباشد ولی در تاریخ جزای فرانسه موضوع مذکور یکمرتبه مورد بحث و رسیدگی قرار گرفته بدین توضیح که :

یکنفر نظامی بموجب دادنامه قطعی به مجازات اعدام محکوم و در اثر عفو و بخشودگی رئیس دولت مجازات وی تبدیل بحبس ابد با اعمال شاقه میگردد .

متهم مذکور ضمن نامه که بدادگاه نوشته اعلام داشته است که عفو مجازات ویرا تخفیف نداده بلکه مجازات ویرا تشدید نموده است زیرا برای یکنفر نظامی شرافت بیش از زندگی ارزش دارد و حبس ابد و خلع کسوت نظامی برای او شدیدتر از اعدام است

مراتب در هیئت دولت مورد رسیدگی واقع چنین تصمیم گرفته شد که چون عفو از جمله اعمال حاکمیت دولت میباشد محکوم نمیتواند از قبول آن خودداری نماید ولی بعضی از علمای حقوق عقیده دارند که چون عفو و بخشودگی جهت تخفیف مجازات میباشد چنانچه آثار عفو بر تشدید مجازات باشد این موضوع قابل رسیدگی در محاکم قضائی کشور میباشد .